

حجة الاسلام یحیی سلطانی



شش نظر اسلام قانون اساسی

زاممداران در اسلام

ساده زندگی کردن برای دولتمردان

و فرمانروایان اسلام يك امر لازم و

معمول بوده است

زندگی زمامداران و بزرگان هر ملت سرمشق است و پیشوایان هر قوم الگوی زنده‌های برای آنها محسوب میشوند زیرا در هر انسانی میل همگونی و همسانی با انسانهای کامل موجود است و هر فردی میکوشد خود را همانند انسانهایی سازد که آنان را کامل میدانند و چون غالب انسانها به زندگی دنیا و مادیات توجه بیشتر دارند بزنگی رو، ساو فرمانروایان چشم میدورند جمله معروف (الناس علی دین ملوکهم) مردم بر روش پادشاهان خود هستند با همین حقیقت نظر دارد. اگر سران قوم بیایکی وسادگی و توجه با امور معنوی معروف شدند دیگران نیز بمعنویست روی می نهند و اگر اهل عیاشی و خوشگذرانی و فساد اخلاق باشند مردم نیز بفساد کشانده میشوند. از مدارک مذهبی استفاده میشود که زمامداران اسلام باید ساده و بی‌آلایش زندگی کنند و بصراحت برخی از روایات می‌گوید: که باید زندگی خود را با طبقات ضعیف و محروم کشور همسان سازد. از امام علی (ع)

امام علی (ع): خدای عز و جل بر پیشوایان عادل و اجب فرموده است که زندگی خودشان را با طبقه ضعیف مردم همسطح قرار دهند.

نقل شده است که آن حضرت بمردی بنام عاصم بن زیاد که تارک دنیا شده بود و زن و فرزند او در این باره غمناک بودند فرمود: آيا از همسرت حيا نداری و بفرزندت ترحم نميکنی (که دنبال کار و کوشش نميروی و خانواده خود را در سختی قرار داده ای) تو فکر ميکنی خدا نيکه غذاهای پاکيزه را بر تو حلال کرده است نمی پسندد که تو از آنها بهره مند شوی. عاصم گفت يا اميرالمؤمنين پس چرا شما لباس خشن بر تن داريد و غذای ساده و خشک می خوريد؟

امام فرمود: وای بر تو خدای عز و جل بر پیشوایان عادل واجب فرموده که زندگی خودشان را با طبقه ضعیف مردم همسطح قرار دهند.

"فی احتجاج امیر المؤمنین (ع) علی عاصم بن زیاد حین لبس العبا و ترک الملاء و شکاه اخوه الربیع بن زیاد الی امیر المؤمنین انه قد غم اهلها و اهزن ولد هذالك فقال امیر المؤمنین علی عاصم این زیاد فچیستی بد فلما راه عیسی فی وجهه فقال له اما استحبیت من اهلک اما رحمت ولدک؟ اتری اللعاحل لک الطیبات و هو یکره اخذک منها؟ فقال عاصم یا امیر المؤمنین علی ما اقتصرت فی مطعمک علی الجشوبه و فی ملبسک علی الخشونه فقال ویحک ان الله عز و جل فرض علی ائمه العدل ان یندروا انفسهم بضعفه الناس"

(اصول کافی ج ۱ ص ۴۱) جابر بن عبدی نیز سخنی بهمین مضمون در اصول کافی از امام علی (ع) نقل کرده است و از معلی بن خنیس نیز نقل شده است که او با امام ششم حضرت صادق (ع) عرض کرد: اگر نعمت حکومت که در دست فلان افراد است در

دست شما قرار میگیرد ما نیز در کنار شما در نعمت زندگی میگردیم امام (ع) فرمود: معلی چه آرزوی دوزخ حقیقتی داری، اگر حکومت در دست ما قرار بگیرد ما را جز باسداری شبها و بار سنگین اجرای امور در روزها و لباس خشن و ساده و نان خشک سهمی نیست.

"عن المعلی بن خنیس قال: قلت لابی عبد الله یوما جعلت فداک ذکرت ان فلان و ما هم فیمن النعم فقلت: لو کان هذا الیکم لغننا بکم فقال هیبات یا معلی اما والله ان لوکان ذاک ما کان الا سیاه اللیل و سیاحه التهار و لبس الخشن و اکل الجشب"

(اصول کافی ج ۱ ص ۴۱) ساده زندگی کردن برای دولتسردان و فرمانروایان اسلام بیکامر لازم و معمول بوده است در بین افرادی که بنام اسلام حکومت میکردند، مدتی پس از رسول خدا تا موقعی که مسلمانان در صحنه بودند و در زمان حکومت علی (ع) بطور چشمگیری رعایت میشد، مردی بنام عتبه بن مرثد حاکم آذرب

بایجان شده نگام ورود به آذربایجان خوراک مخصوصی بنام (خبیص) برای او آوردند که بسیار شیرین و خوش طعم بود عتبه آن خوراک لذیذ را بسیار پسندیده یافت از این جهت تقاضا کرد که از همان خوراک مقداری برای زما مدار مرکزی فراهم نمایند مقدار زیادی از آن خوراک تهیه و بوسیله دو شتر برای مرکز حمل شد وقتی آن طعام را بحضور حاکم مرکز آوردند پرسید چیست؟ آورنده جواب داد: این طعامی است که آنرا (خبیص) میگویند و از آذربایجان برای شما آورده ام حاکم وقت پس از چشیدن طعام آنرا بسیار مطبوع یافت پرسید آیا همه مسلمانان آذربایجان از همین طعام سیر میشوند؟ جواب داد: نه حاکم مرکز دستور داد طعام را بر گرداند و در نامه ای برای عتبه نوشت خبیص که تو برای ما فرستاده ای نه از دسترنج بدرت بوده و نه از دسترنج مادرت سعی کن از آنچه تو در خانه ات میخوری مسلمانان دیگر نیز بخورند و برای زندگی خود امتیازی قرار نده (شرح ابن ابی الحدید ج ۳ ص ۱۰۱)

در نهج البلاغه در نامه معروف امام علی علیه السلام به عثمان ابن حنیف نیز آمده است :

« امام شما از لباس به دو جامه کهنه‌وار خوراک به دو قرص نان اکتفا کرده است بخدا قسم از دنیای شما طلائی نپذیرفته و از غنائم دنیا مالی ذخیره نکردم و بجای جامه کهنه‌ای که پوشیده‌ام جامه دیگری آماده ندارم اگر بخواهم میتوانم بهترین عسل‌های تصفیه شده را بدست آورم و بهترین نان را از مغز گندم تهیه کنم و عالیترین لباس را از بافته‌های حریر و ابریشم آماده‌نمایم ولی دور است که هوای نفس بر من غلبه کند و حرص و آز مرا با انتخاب خوراک‌های گوناگون وادار نماید و حال آنکه شاید در حجاز و یا یمنه فردی باشد که بقرص نانی طمع ندارد و سیری را بسادگی نماید و آبا با شکم سیر بخویم و در اطرافم شکم‌های گرسنه باشد آیا باینکه مردم مرا رئیس مؤمنان میخوانند قناعت کنم و با آنان در سختیهای روزگار شریک نباشم ؟ »

رفتار خانواده زمامداران در اسلام :

اسلام با خلاق و رفتار زمامداران و پیشوایان توجه خاصی داشته است و علاوه بر اینکه شرایط سنگینی از جهت علم و تقوی برای آنها قرار داده تا کید فرموده است که زندگی و رفتار خانواده آنها نمونه کاملی از شرف و انسانیت و معنویت باشد .

قرآن مجید در سوره احزاب با جمله :
« وَلَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
بِمِصْلَمَانِ مِمَّنْ آتَىٰ مَوْلَاهُمَا يَدُ الرَّسُولِ
خَدَا (ص) برای شما الگو باشد و در همان سوره به همسران رسول اکرم (ص) دستور میدهد که بطور ساده بدون توجه بزیور دنیا زندگی کنند و عفت و پاکدامنی را در حد اعلا

رعایت نمایند . زنان پیغمبر (ص) هنگامیکه به همسری آنحضرت در آمدند طبعاً بخانه مردی آمده بودند که پیشوای بزرگ اسلام و عرب محسوب میشد در آن روزگار پیغمبر اکرم (ص) در مدینه شخصاً حاکم اسلام بود و مقدمات یک حکومت وسیع اسلامی را فراهم میکرد و طبیعی است که در این شرائط همسران وی خود را از زنان دیگر برتر و بالاتر میدانند و شاید در این اندیشه بودند که یک زندگی نسبتاً باجمل را که در شأن بانوان اشراف عرب بوده است آغاز کنند از این جهت بنا بر نقل بعضی از مفسرین (از پیامبر خواستند که بدخرج آنها اندکی بیفزاید و بزندگی آنها سروسامانی ببخشد . خداوند پیامبر خود را مورد خطاب قرار داد و فرمود :

« ای پیامبر به همسرانت بگو اگر خواهان زندگی و زیور دنیا هستید بپایند تا حقوق شما را بپردازم و باخیر و خوبی شما را رها کنم و اگر خدا و رسول و معنویت و زندگی آخرت را میخواهید خداوند برای نیکوکاران شما پاداشی بزرگ مهیا فرموده است . »

در این آیه شریفه خداوند با کمال صراحت به پیامبر دستور میدهد : اگر همسرانت به هوس زندگی و زیور مادی به خانهات آمده‌اند باید آنها را طلاق بدهی .

(خانه تو خانه شرف و معنویت است) و سپس همسران آنحضرت را مستقیماً مورد خطاب قرار داده و فرموده است « ای همسران پیامبر اگر یکی از شما گناه آشکاری مرتکب گردد او را دو برابر دیگران عذاب میکنیم و هر کدام از شما از خدا و رسول پیروی کرد و عمل نیکی انجام داد و پاداش نیک با او داده میشود» (آیه ۲۸ تا ۳۰ سوره احزاب)

آری عمل نانا ایسته و خلاف قانون اگر از همسران رسول خدا (ص) مشاهده شود در زنان

دیگر نیز اثر سوء دارد و بر عکس اگر آنها اعمال و رفتاری نیک داشته باشند بانوان دیگر هم از آنها پیروی میکنند و چون کارهای نیک باید آنها اگر آشکار باشد دو اثر دارد (یکی اثر فردی و دیگری اثر اجتماعی) دو برابر نیز جزا خواهد داشت .

در آیه دیگر خداوند به همسران پیغمبر دستور عفت و مراقبت میدهد و میفرماید :
« ای همسران پیامبر شما مانند زنان دیگر نیستید) (شما همسر پیشوای ملت و در خانه رهبر امت هستید) اگر تقوی پیشه کنید و بیزگار باشید (در نزد خدا عزیزتر خواهید بود) .

در صحبت کردن (با نامحرمان مواظب باشید نرم و نازک و مهیج صحبت نکنید ، در مقابل مرد نامحرم (خاضعانه سخن نگوئید تا نظر افراد نامحرم و هوسباز دنبال شما نباشد (تا میتوانید) در خانه خود قرار بگیرد و مانند زنان جاهلیت بدون حفظ حجاب ارخانه بیرون نیائید (واجبات خدا را رعایت کنید) نماز بخوانید (و اگر اندوختگی داشته باشید) زکوة مالتان را بدهید و فرمان خدا و رسول را اطاعت نمائید و آنچه از آیات خدا و حکمت در خانه شما تلاوت میشود بسیار داشته باشید » (آیه ۳۲ تا ۳۴ احزاب)

با توجه باینکه آیات یاد شده بدنبال آیه « اسوه آمده است بخوبی استفاده میشود که علت فرمان اکید خداوند به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در خصوص رعایت عفت و انتخاب زندگی ساده اینست که زندگی آنها الگوی زندگی برای خانوادهها در امت اسلامی بود . بنا بر این خانواده هر کدام از پیشوایان و زمامداران اسلامی از مقام رهبری و رئیس جمهوری تا استانداران و فرمانداران و سران ارتش و دیگران لازم است وظایف

اسلامی خود را در حد اعلا رعایت نمایند زیرا هر کدام از آنها بنوبه خود برای عدهای الگو خواهند بود .

خلاصه گفتار :

بار دیگر بطور فهرست خلاصه مطالب گذشته را تکرار میکنیم : کسیکه بخواهد در حکومت اسلامی زعامت و ریاستی را عهده دار شود باید دارای این مشخصات باشد :

- ۱- با تقوی و پرهیزگار ، عادل و پارسا ، دور از هر گونه معصیت و گناه .
- ۲- دارای حلم و بردباری و حسن اخلاق و خوش رفتاری با مردم و زیردستان .
- ۳- دارای زندگی ساده و بی آلاچیوی - اعتنا به جلوه های فریبنده دنیا توأم با رعایت عفت و پاکدامنی در خانواده باشد .
- ۴- پایبند به اجرای سنت های دینی و مذهبی و انجام واجبات الهی .
- ۵- دارای دانش کافی و آگاهی از فقه اسلامی همراه با بینش عمیق سیاسی و مدیریت کافی و حسن تدبیر برای اداره امور از شرایط یاد شده دانش و تقوی و عدالت و مدیریت کافی برای همه مسئولین حکومت لازم است و متناسب وظائفی که بر عهده آنها محول میشود وجود بعضی از شرایط در اولویت قرار میگیرد . مثلا کسانی که از قوه قضائیه هستند حلم و بردباری و آگاهی کافی از قوانین قضائی برای آنها ضروری است و برای کسانی که بعنوان قوه مجریه کار میکنند عدالت و تقوی و حسن معاشرت ضروری تر است و برای قوه مقننه آگاهی از فقه اسلامی و بینش عمیق سیاسی در حد اعلا لزوم است .

چه کسانی باید گاندیدا شوند ؟
در امر انتخاب ولی امر و رهبر امت در

قانون اساسی سخنی از گاندیداشدن فقها میان نیامده بلکه از اصل پنجم قانون اساسی و اصل یکم و هفتم استفاده میشود که رهبر یا شورای رهبری از بین فقها موجودین انتخاب میشوند بدون اینکه فقها خود را گاندیدا کرده باشند و این طبیعی ترین نوع انتخاب است و رهبری که از این راه بدون اینکه از طرف او تبلیغاتی شده باشد بطور طبیعی برگزیده شود ، مردمی ترین رهبر است ولی در انتخاب رئیس جمهوری افرادی برای انتخاب شدن داوطلب میشوند و خود را گاندید میکنند . قانون اساسی در اصل یکم و شانزدهم میگوید :

" نامردم های ریاست جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند " در اینجا باید یادآور شویم ، کسانی که خود را برای ریاست جمهوری نامزد میکنند لازم است شرایط موجود خود را با شرایطی که برای ریاست و زعامت اسلامی لازم است (آنها را شرح دادیم) تطبیق دهند و اگر خود را شایسته زعامت اسلامی ندیدند نامزد نشوند و بار سنگین مسئولیت ریاست را بر دوش نگیرند و اگر برای انجام مسئولیت ریاست فردی را از خود شایسته تر دیدند او را بر خود مقدم بدارند و از او حمایت کنند اسلام تأکید فرموده که باید پروسا و زمامداران شایسته ترین افراد مردم باشند و همانطوریکه در گذشته اشاره کردیم از دیدگاه اسلام هرگاه زمامداری یک جامعه در دست افرادی قرار بگیرد که از آنها دانشمند تر و شایسته تر برای آن کار موجود باشند آن جامعه رو بسقوط و انحطاط میرود . و بطوریکه از حدیث نبوی استفاده میشود اگر افرادی در حکومت اسلامی عهده دار ریاست شوند زمین را برای فاضل تر و

شایسته تر از خود باقی نگذارند در صورتیکه فاضل تر موجود باشد عمل آنها خیانت بخدا و پیامبر (ص) و امت اسلامی محسوب میشود . مرحوم علامه امینی (قدس سره) در کتاب الفدر جلد هشتم صفحه ۲۹۱ این حدیث را از رسول خدا (ص) نقل میکند :

"مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ بَرٌّ أَنْ يَهْتَمَّ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ"

هر کس خود را بر قومی مقدم بدارد (و پیشوائی آنها را بر عهده بگیرد) در حالیکه بدانند در بین آن ملت فاضل تر (و شایسته تر) از او (برای آن کار) وجود دارد آن شخصی بخدا و رسول و جمیع مسلمانان خیانت کرده است .

بنا بر این اگر مسلمان متعهد و مکتبی و واجد شرائط لازم نامزد ریاست شود ولی رفیق و رقیب خود را از خود متعهدتر و عالمترو شایسته تر بداند و شرائط لازم را در او بیشتر بیاید چه بسا وظیفه و واجب شرعی باشد که بشفع او کنار برود و مردم را برای رای دادن با او تشویق نماید و اگر مسلمانی واجد شرائط نباشد و از عهده زمامداری اسلامی بر نیاید و در عین حال داوطلب ریاست شود شرعاً مسئول است و از تفکر اسلامی و تربیت و اخلاق اسلامی بهره ای ندارد و به شیوه دموکراسی - های غربی عمل کرده است .

امت اسلامی باید بکوشد تا زندگی نامرده های ریاست را دقیقاً بررسی کند و در احوالات آنها مطالعه نماید و از افراد نزدیک کسب اطلاع کند و از میان گاندیدها بهترین آنها را انتخاب کند . ملت در انجام رسالت خود در انتخابات از نظر اسلام وظائفی مهمی دارد که مشروح و مفصل آنرا در فصل جداگانه ای انشاء الله مورد بحث قرار میدهم .